

بابر گدھایے سرگرم

شاعر: جنورا دعبول

مترجم: محمد حماد



انتشارات ارادمان

سرشناسه	دعبول، جوزف.
عنوان قراردادی	الهو بوریاقت، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	با برگ‌هایی سرگرم/ تألیف جوزف دعبول؛ ترجمه محمد حمادی.
مشخصات نشر	تهران: آرادمان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۷۸ ص.
شابک	978-600-8099-02-4
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر عربی — قرن ۲۰م. — ترجمه شده به فارسی
موضوع	شعر فارسی — قرن ۱۴ — ترجمه شده از عربی
شناسه افزوده	حمادی، محمد، ۱۳۵۷ — مترجم
ده‌بندی کنگره	PJA۴۸۶۲/ع۲-۹۰۳۳ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی	۸۹۲/۷۱۶
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۵۷۴۰۳



انتشارات آرادمان

با برگ‌هایی سرگرم

• شاعر: جوزف دعبول

• مترجم: محمد حمادی

• ناشر: آرادمان

• اجرا و امور فنی: ف. فرقانی

• طرح جلد: سهیل حسینی

• نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

• نشانی: تهران صندوق پستی ۱۸۷-۱۳۳۵۵

www.aradman.ir

instagram: aradmanpub

• تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

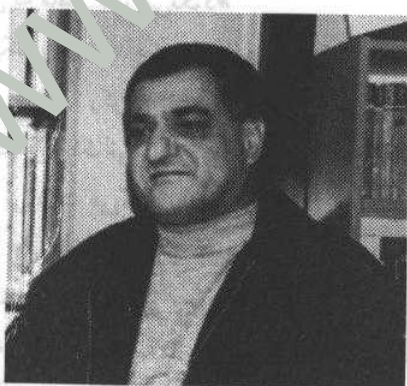
• قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: فرسیما

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۹-۰۲-۴ 978-600-8099-02-4

مقدمه

جوزف دیوبال شاعر و روزنامه‌نگار اهل لبنان، متولد سال ۱۹۵۹ میلادی در شهر عکار در شمال این کشور است. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه لبنان است. کنون به غیر از این مجموعه‌ی شعر که به صورت ترجمه شده در اختیار شماست دو کتاب شعر با عنوان: «دریا شکوفه‌ی رؤیاست» (انتشارات دارالنهضة العربیة) و همچنین کتاب «مجنون: تقدیم به سیلا، که اکنون خود را در آینه می‌نگرد» (انتشارات دارالغاوون) در بیروت منتشر شده است.



جوزف دعبول شاعری است که در این مجموعه به روایت‌گری می‌پردازد، به تنازعی شگفت در گسست و بیوستی پرماجرا و پر رمز و راز، و آنچه به‌جای می‌ماند، تفکری است از گذشته‌های زنده و حادث در تخیل انسان حال و آینده. در قطعه‌های شعری و تصویرهای پیوسته‌ی این مجموعه، دگرگون کردن جغرافیای زمین و تن، تنها به‌وسیله‌ی عقل و خرد ممکن است و آنچه شاعر پیش روی‌مان می‌گذرد، گونه‌ای دگرگونی، تراشیده شده با ابزار عقل است که گاه به‌عنوان ریا نمود می‌یابد، معنا در آن تکوین یافته و رخت ممکن می‌پوشد و گاه تحت حوادث یادآوری احساس و عواطف شیبه، چون جنگ، رنج، عشق و هجران رخ می‌نماید. در این اثر، که سرشار است از سطرها و تصویرهای درخشان، که بر تار، به هم آمیخته و چهره‌ای متفاوت می‌بایند. مرز باور و رؤیا شکسته شده در خیال جامه‌ی واژه پوشیده است. این خیال، در تصویرهای امروزی جلوه می‌یابد و تجربه‌ی دغدغه‌های انسان مدرن است؛ در تاریخی که او را کلمه‌ها می‌پوشانند؛ در لحظه‌ای زخمی، تا آنجا که:

«زمین دوباره کروی می‌شود

و بر کرانه‌ی رودخانه پهلوی می‌گیرد

و با شفقت شفاف به ماهی بلور می‌نگرد»

شاعر، در نقش یک راوی، مدام چهره عوض می‌کند و در تاریخ سیر می‌کند. حرکت در طول و عرض، رکن اساسی این سیر و سانس است اما در تمام این گذار، نوعی دل‌باختگی و نگرانی را با خود حمل می‌کند:

«توفان‌هایم را در نی فوت می‌کنم، ناله‌ای در ارابه‌ی مردگان...»

انگار که زمین را می‌خواهد دگرگون کند، اشیاء را مدام جابه‌جا می‌کند، به هر نقطه‌ای سر می‌کشد، در چگونگی وجود کنکاش کرده، عنصرهای روشن‌گر را کشف می‌کند و به شکلی خلاق به‌کار می‌برد. به‌جای آن که شعر تنها رونوشتی از تصویر باشد، به آفرینش تصویرهای تازه می‌پردازد و احساس ناشی از غلیان جهان و انسان را به شکل فراگیرتر نشان می‌دهد. از زیبایی‌های معقول و سنتی

فراتر رفته، تجربه‌های تازه پیش دیدگان مخاطب می‌گسترند. او در انتقال چیزی سعی دارد که انتقال آن با زبان روز مره ممکن نیست. پس طغیان می‌کند و شعر همچون جادویی جلوه می‌کند و این هنر اوست؛ زیرا چیزهایی را به ادراک درمی‌آورد که مستقیم قابل درک نیستند.

متن شعر به زمان وابسته نیست، بلکه از آن فراتر رفته و بیشتر بر خود متن و بر حضور سخن شخص شاعر تکیه دارد. به همین دلیل، عمق می‌یابد و به جست‌وجوی رابطه‌هایی تازه می‌پردازد. در این جست‌وجو، اسطوره‌ها را نیز به حضور طلبیده، مخاطب را دعوت می‌کند تا پای به شعر جهان‌شمول او گذاشته، همسفر با او جهانی بی‌پای را تجربه کند و در جغرافیای شعر او به بازآفرینی متن بپردازد.

محمد حمادی